

پیامدهای قاچاق کالا و ارز در عدم تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۵

کد مقاله: ۲۲۰۶۶

مهدی سراوانی^۱، حسین کیخا^۲، معصومه دهمرده^{۳*}

چکیده

از زمان اعمال فشارها و تحریم‌های غرب و به‌ویژه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در ابعاد اقتصادی و تجاری، مسئولان و سیاست‌گذاران کشور و به‌ویژه مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی را در دستور کار قرار دادند. اقتصاد مقاومتی به مفهوم شناسایی و کنترل اهرم‌های فشار بر اقتصاد است. این نوع اقتصاد بر عکس تصور ظاهری فاقد پیشینه نظری نیست و حداقل در سطح کشورهایی همچون هند تحت استعمار انگلستان و یا غزه فلسطین دارای تجربه تاریخی است. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که الگوی اقتصادی متناسب با نظام سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است و همچنین رویکردی مبتنی بر تلاش جهت کاهش وابستگی‌ها به خارج، مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تأکید بر مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای رسیدن به خوداتکایی. بر این اساس سؤالی که در این پژوهش مطرح شده، این است که «رواج قاچاق کالا و ارز چه تأثیراتی در عدم تحقق اقتصاد مقاومتی داشته است؟» «وجود قاچاق کالا و ارز با گسترش فقر و بیکاری در جامعه، از میان رفتن سرمایه و تولیدات داخلی، تحریم‌های آمریکا، تعطیلی بنگاه‌های اقتصاد داخلی، کنار گذاشتن ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی، ضررهای جانی و مالی و ... باعث عدم تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور شده است»، فرضیه‌ای است که برای سؤال اصلی این پژوهش ارائه شده است. همچنین روش تحقیق به کار گرفته شده در پژوهش فوق از حیث هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، قاچاق کالا، تولید ملی، تحریم، جمهوری اسلامی ایران.

۱- کارشناس ارشد نرم‌افزار

۲- کارشناس ارشد علوم سیاسی

۳- کارشناس ارشد علوم سیاسی (مسئول مکاتبات) m.dahmarde180@yahoo.com

۱- مقدمه

اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» حکایت از نگاه جدیدی به علم اقتصاد است و نوع تازه‌ای از اقتصاد را می‌خواهد معرفی نماید؛ اقتصادی متناسب با کشورهای چون ایران که در معرض تهدیدها و تحریم‌ها هستند. ویژگی و تمایز این چنین کشورهایی در این است که دارای یک اقتصاد مقابله‌کننده با حرکت عمومی اقتصاد جهانی هستند. از دیدگاه اقتصاددانان، اقتصاد مقاومتی فضایی است برای مواجه شدن با استقلال وابسته و مصرف‌گرایی. چنین اقتصادی منفعل نیست و در برابر اهداف سلطه اقتصادی می‌ایستد و سعی می‌کند تا ساختار اقتصادی‌اش را بر اساس اهداف و ایدئولوژی خاص خود تغییر داده و تلاش دارد، اقتصاد را در راستای ارزش‌ها و نگرش‌های خود قرار دهد. در اقتصاد مقاومتی حوزه‌های فشار شناسایی و دولت سعی به رفع تحریم و یا بی‌اثر کردن آن‌ها می‌کند که برای این موضوع، مدیریت عقلانی و هوشمندانه لازمه اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود تا بتواند بر روی تولید داخلی تمرکز کند. این نوع اقتصاد بسیار پویا و فعال است (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳: ۳۴).

آمادگی نهادهای اقتصادی و تعامل همکاری میان دولت و مردم برای تحقق این اهداف بسیار ضروری است و برآیند تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی منجر به حذف فعل قاچاق کالا، تثبیت نوسانات نرخ ارز، افزایش اشتغال، تثبیت عمومی قیمت‌ها، توسعه بخش خصوصی و مدیریت می‌شود؛ اما رخداد چنین عواملی در اقتصاد مقاومتی به سادگی امکان‌پذیر نیست (سیمی و مارتین، ۲۰۱۰: ۳۱). در سال‌های اخیر با افزایش تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، عبارت اقتصاد مقاومتی به ادبیات اقتصادی ایران وارد شده است. این عبارت برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ در دیدار فعالان اقتصادی و کارآفرینان با مقام معظم رهبری مطرح شد. در این جلسه مقام معظم رهبری واژه «اقتصاد مقاومتی» را به کار بردند و آن را دلیلی برای مواجه شدن با فشارهای اقتصادی دشمنان ایران و همچنین آمادگی کشور برای تغییر دانستند. سؤالی که اکنون پیش می‌آید این است که موانع اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ نقش مؤلفه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و ... در عدم تحقق اقتصاد مدیریتی کدامند؟ فرض اصلی و اساسی این پژوهش این است که اقتصاد مقاومتی به واسطه ناکارایی‌ها و موانع متعدد در حوزه‌های مختلف تاکنون تحقق نیافته است.

۲- طرح مسئله

چالش‌های اقتصادی از مهم‌ترین مسائل و دشواری‌های دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ چالش‌هایی که در تنگنانهایی نظیر تحریم‌های بین‌المللی، بیشتر از همیشه پیامدهای نامطلوب خود را برای کشور و مردم آشکار ساخته و می‌سازد (هفته‌نامه خریدار، ۱۳۹۵). توسعه اقتصادی در دهه‌های اخیر به عنوان آرمانی بی‌بدیل، همواره دل‌مشغولی‌های فراوانی برای جوامع بشری، به‌ویژه جوامع در حال توسعه پدید آورده است. در سال‌های اخیر با افزایش تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه و با هدف متوقف ساختن برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، واژه اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ در دیدار با کارآفرینان مطرح گردید (حمیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). اقتصاد مقاومتی بنا به فرموده مقام معظم رهبری به مفهوم اقتصادی که برای یک ملت حتی در شرایط فشار و تحریم، زمینه رشد و شکوفایی را فراهم می‌کند، می‌باشد. بی‌تردید عوامل بسیار گسترده‌ای در سطوح گوناگون بر عدم تحقق توسعه اقتصادی و به‌ویژه اقتصاد مقاومتی، نقش‌آفرینی می‌کنند. یکی از عوامل مؤثری که تأثیر مستقیم بر عدم تحقق اقتصاد مقاومتی دارد، قاچاق کالا و ارز در مرزهای آبی و خاکی جمهوری اسلامی ایران است (فتحی و یگانه، ۱۳۸۷: ۲۸).

قاچاق به‌طور کلی و قاچاق کالا و ارز به‌طور خاص در سال‌های اخیر از مشکلات ساختاری کشور به شمار می‌رود. از آثار قاچاق کالا بر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی می‌توان به کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، تولید داخلی، درآمدهای مالیاتی، گمرکی و درآمدهای ارزی-ریالی و افزایش هزینه‌های دولت، بیکاری و کند شدن توسعه مناطق مرزی، گسترش فقر و ایجاد بحران‌های اجتماعی، تأثیر بر کالاهای داخلی و زیان تولیدکنندگان داخلی، اختلال در نظام تولید و توزیع، اختلال در سیاست‌های اقتصادی دولت، پول‌شویی و بروز مشکلات پولی، افزایش انحصار و رانت‌خواری و آثار فرهنگی و تأثیر آن بر سلامت جامعه و مصرف‌کنندگان اشاره نمود که جلوگیری از بروز این‌گونه پیامدها و اثرات منفی آن بر اقتصاد باعث رونق اقتصاد و به دنبال آن بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور خواهد شد (حمیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۳).

متأسفانه ناهماهنگی و نبود همگرایی درباره تحقق شعارهای اقتصادی در کشور و دستان نامرئی به نام قاچاق کالا و ارز، برای ضربه زدن به تولید داخلی، بازار را بی‌ثبات و طبیعی است که در یک بازار بی‌ثبات اقتصادی، تولیدات داخلی نمی‌توانند رشد کنند. تبلیغات در سطح بازار در حمایت از محصولات خارجی به قدری پرهیاهو و اغواکننده است که هر اراده‌ای برای خرید کالای ایرانی را خنثی می‌کند. مردم به کالای ایرانی بی‌اعتماد و این بی‌اعتمادی جدا از توطئه‌های خارجی، ثمره به‌کارگیری سیاست‌های اقتصادی نادرست و سودجویی برخی از آقازاده‌ها و پدروخوانده‌های مافیایی است که در کار قاچاق کالا و ارز فعالیت دارند. عدم وجود زیرساخت‌های مناسب اقتصادی، تک‌محصولی و اتکا به منابع زیرزمینی نیز از دیگر مشکلاتی است که تحقق اقتصاد مقاومتی را با

مشکل مواجه ساخته است. بسیاری از طرح‌های اقتصادی نیمه‌کاره رها و بنگاه‌های تولیدی در حالت نیمه تعطیل شدند. این مشکلات باید با مدیریت جهادی برطرف و با رونق بخشیدن به اقتصاد و استحکام پایه‌های اقتصادی در راه تحقق اقتصاد مقاومتی تلاش کرد.

۳- پیشینه و سوابق تحقیق

برخی از پژوهش‌های مربوط به تأثیر قاچاق کالا و ارز بر عدم تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران که تاکنون انجام شده به شرح ذیل می‌باشند: «چالش‌های پیش‌روی اقتصاد مقاومتی»، عنوان پژوهشی است که منصور آخوندی و رضا سعادت‌ی در پنجمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری با رویکرد ارزش‌آفرینی ارائه کردند. غفور حمیدی و همکارانش در پژوهشی تحت عنوان «بررسی آثار و پیامدهای قاچاق کالا بر رونق اقتصادی» در سال ۱۳۹۵، به بررسی عوامل مؤثر قاچاق کالا بر رونق اقتصادی کشور پرداخته و در ادامه قاچاق کالا را یکی از انواع جرائم اقتصادی دانستند که منجر به بی‌ثباتی نظام اقتصادی کشور شده است. خسرو اسفندیاری صفا و حبیب‌الله دهقان در مقاله‌ای تحت عنوان «مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری» به تشریح بیانات مقام معظم رهبری پرداختند. «موانع تحقق اقتصاد مقاومتی» مقاله دیگری است که در سال ۱۳۹۴ توسط محمدحسین پژوهنده در فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی - اسلامی به چاپ رسیده است. مؤلف در این مقاله اقتصاد مقاومتی را تنها راه حفظ عزت و کرامت جمهوری اسلامی ایران در تقابل با سیاست‌های خصمانه غرب برشمرده است.

۴- تعریف عملیاتی

الف- تعریف اقتصاد: یکی از معانی اقتصاد، میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری است. از دیدگاه «ارسطو» علم اقتصاد؛ یعنی مدیریت خانه. به نظر «آدام اسمیت» اقتصاد، علم بررسی ماهیت و علل ثروت ملل است. از نظر «استوارت میل» اقتصاد، عبارت است از بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع. بنا به گفته «ریکاردو» اقتصاد، علم است و از نقطه نظر «آلفرد مارشال» اقتصاد، عبارت است از مطالعه بشر در زندگی شغلی و حرفه‌ای (خلیلی، ۱۳۹۱: ۲۴). فرهنگ معین، اقتصاد را از نظر لغوی میانه نگاه داشتن، به اندازه خرج کردن و تعادل در دخل و خرج تعریف و نیز علم اقتصاد را یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی معرفی می‌کند که مربوط به کیفیت دخل، خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر است و همچنین اصول و قوانینی است که به موجب رعایت آن‌ها، رفاه و سعادت جامعه بشری حاصل می‌گردد. همچنین اقتصاددانان غربی (اکنونومیست‌ها)، از علم اقتصاد به عنوان منابع محدود برای تأمین نیازها و خواسته‌های نامحدود یاد می‌کنند (عربیون و منوچهری آملی، ۱۳۹۱: ۹۶).

ب- تعریف مقاومت: واژه «مقاومت» برگرفته از فعل ثلاثی «قام» می‌باشد و به معنای به پا داشتن و پایدار ماندن است. فرهنگ معین، «مقاومت» را از نظر لغوی، ایستادگی و برابری کردن معرفی می‌کند و آن را از نظر اصطلاحی در مبادرت به نبرد تدافعی، وضعیتی می‌داند که فرماندهی آن را موضع مقاومتی معرفی کرده و بر اساس همین موضع مقاومتی با تمام قوای خود مبادرت به نبرد می‌کند (عربیون و منوچهری آملی، ۱۳۹۱: ۹۶).

ج- اقتصاد مقاومتی: در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریم‌های یک‌جانبه و غیرانسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، واژه جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشور مورد بحث قرار گرفته است. این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. در «علم اقتصاد» و «برنامه‌ریزی اقتصادی» مفهوم و عمل مقاومت به معنای بهینه‌یابی در هر شرایطی نهفته است (اسدی، ۱۳۹۳: ۳۳).

د- قاچاق: قاچاق عبارت است از نقل و انتقال‌های مخفیانه کالاها از خارج به داخل یا از داخل به خارج از کشور، بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی و بدون توجه به مقررات مربوطه. در واقع قاچاق نوعی تجارت نامطلوب کالا است که قوانین و مقررات حاکم بر داد و ستد کالاها را دور می‌زند و اقتصاد کشور را از مسیر صحیح آن منحرف و دستیابی به هدف‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی را با اختلال و دشواری مواجه می‌سازد. قاچاق اصولاً یک فعالیت غیرعادی است که با بروز آن در اقتصاد هر کشوری، اعتبار و منزلت اجتماعی آن کشور در جامعه تجارت جهانی خدشه‌دار می‌شود (درویش و اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۳).

۵- روش انجام تحقیق

با توجه به اهمیت مطالب و به روز بودن آن‌ها و ملاحظات مرتبط با متغیرها و گزاره‌های دخیل در روند تحقیق و ابعاد گسترده تأثیر قاچاق کالا و ارز بر عدم تحقق اقتصاد مقاومتی، این تحقیق از حیث هدف کاربردی است؛ اما با توجه به اهمیت مطالب و ملاحظات مرتبط با متغیرها و گزاره‌های دخیل در روند تحقیق؛ روش تحقیق از نظر ماهیت توصیفی و تحلیلی است.

۶- ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی از نظر مقام معظم رهبری

- مقام معظم رهبری ده ویژگی را برای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مطرح فرموده‌اند: (نمودار ۱ و ۲)
- تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان به‌ویژه عدالت اجتماعی؛
 - توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا؛
 - تکیه بر ظرفیت‌های داخلی در عین حال استفاده حداکثر از امکانات بیرون کشور؛
 - رویکرد جهادی (حرکت علمی، پر قدرت، با برنامه و مجاهدانه)؛
 - مردم‌محوری با واگذاری فعالیت اقتصادی به مردم (فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه)؛
 - امنیت اقلام راهبردی و اساسی (به‌ویژه غذا و دارو)؛
 - کاهش وابستگی به نفت؛
 - اصلاح الگوی مصرف؛
 - فسادستیزی و امنیت اقتصادی به‌ویژه از طریق شفاف‌سازی و ایجاد فضای رقابتی و باثبات؛
 - دانش‌محوری به‌ویژه با توجه به نیروی انسانی.
 - همچنین مقام معظم رهبری چهار نکته اصلی را به عنوان انگیزه و عوامل تهیه این سیاست‌ها ذکر کرده‌اند:
 - ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی کشور (سرمایه‌های انسانی، معدنی، زیربنایی و جغرافیایی)؛
 - مشکلات مزمن و دیرپای اقتصادی (وابستگی به نفت، تورم، بیکاری و ...)
 - تهدیدهای اقتصادی جهانی؛
 - بحران‌های اقتصادی خارجی (گزارش کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای اصل ۴۴، ۱۳۹۳: ۳).

۷- الگوهای اقتصاد مقاومتی

در خصوص اقتصاد مقاومتی می‌توان ۵ الگو به صورت زیر ارائه داد:

۱-۷- اقتصاد موازی

الگوی اول از اقتصاد مقاومتی، الگوی اقتصاد موازی است؛ یعنی همان طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز می‌بایست برای تأمین اهداف انقلاب این پروژه را ادامه داده و تکمیل کرد؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادسازی‌های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که در عمل از عهده نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید.

۲-۷- اقتصاد ترمیمی

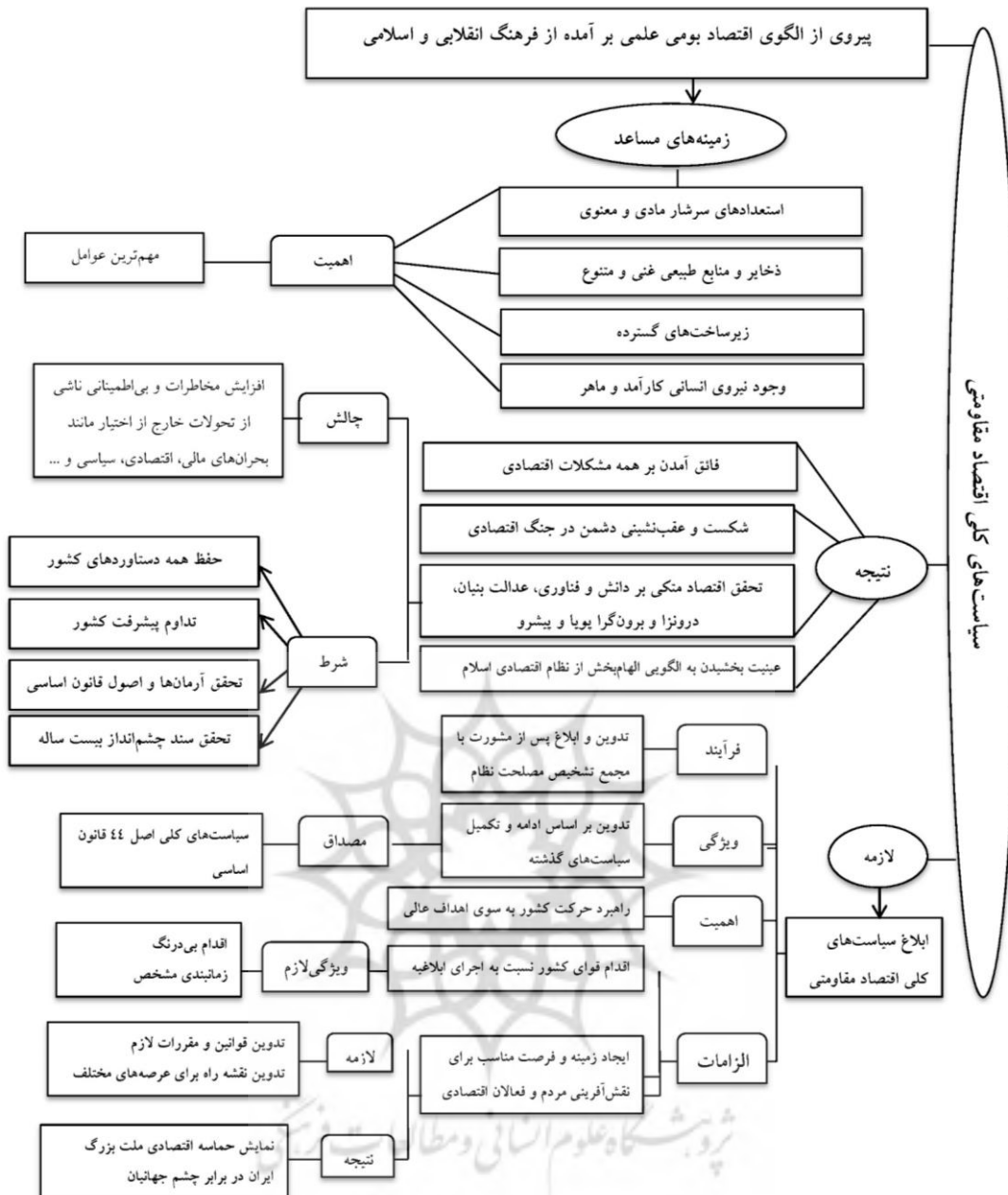
الگوی دوم از اقتصاد مقاومتی، عبارت از اقتصادی است که در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای اقتصادی است. ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور بر حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست.

۳-۷- اقتصاد دفاعی

الگوی سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه هجمه‌شناسی، آفندشناسی و پدافندشناسی جمهوری اسلامی ایران در برابر آن هجمه است؛ بنابراین زمانی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آن‌ها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم.

۴-۷- اقتصاد الگو

چهارمین الگو نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی تنها یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی پدافندی نیست؛ برخلاف ۳ الگوی قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. در این رویکرد ما در پی اقتصاد ایده‌آلی هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه نخست اقتصاد منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز شکل تمدن بزرگ اسلامی باشد (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳: ۳۴).

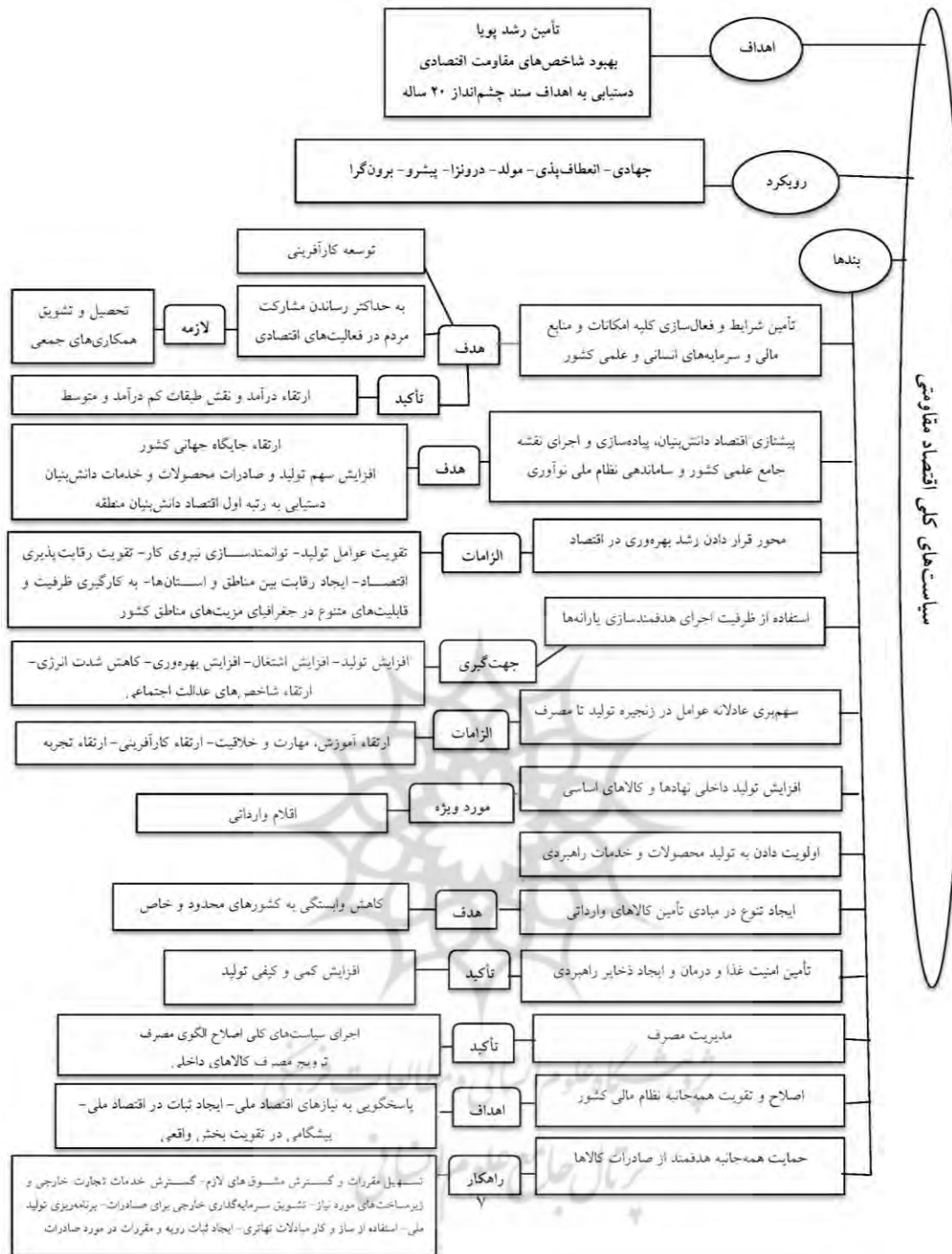


نمودار ۱: سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از نظر مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۲

۸- زمینه‌های لازم برای تحقق اقتصاد مقاومتی

بدیهی است که تحقق هر شعار و شکل‌گیری هر نهضتی در کشور نیازمند زمینه‌هایی است؛ طبیعتاً فراگیر شدن حرکت جهادی در اقتصاد کشور نیز نیازمند الزاماتی است که امکان آن را فراهم می‌کند. رهبر معظم انقلاب الزامات شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی را در پنج مورد برشمردند:

- روحیه جهادی
- استحکام معنویت در جامعه
- پرهیز از توجه اجتماعی به مسائل حاشیه‌ای
- اتحاد و انسجام ملی
- پرهیز از نگاه شعاری به مفهوم اقتصاد مقاومتی (جلیلی عاملی، ۱۳۹۱: ۲۴).



نمودار ۲: سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از نظر مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۲

۹- موانع تحقق اقتصاد مقاومتی

به طور کلی موانع اقتصاد مقاومتی را بر اساس تئوری فنربیت اقتصادی می‌توان در چهار حوزه اصلی تقسیم‌بندی کرد. هر حوزه از اجزا و ارکان مختلفی تشکیل شده‌اند، اما ارکان مطرح شده در اینجا، آن‌هایی هستند که بیشترین تأثیر را بر اقتصاد مقاومتی دارند. از دید «برگیولیو و همکارانش» این چهار حوزه عبارتند از:

الف- نبود ثبات اقتصادی کلان: ثبات اقتصادی همان تعامل میان مجموعه عرضه و تقاضای اقتصادی است. اگر مجموعه هزینه میان عرضه و تقاضا در تعادل باشد، این اقتصاد دارای تعادل درونی، موقعیت مالی پایدار، نرخ پایین تورم و نرخ بیکاری نزدیک به نرخ طبیعی است و در عین داشتن تعادل بیرونی و حجم بدهی‌ها در چنین اقتصادی پایین است. این متغیرها به

شدت تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها هستند و نشان از این دارند که چگونه دولت می‌تواند با بحران‌ها و تحریم‌های اقتصادی مواجه شود (جهانیان، ۱۳۹۵: ۱۷۰). به طور کلی اقتصاد کلان بر سه متغیر استوار است:

- کسری بودجه در نرخ تولید ناخالص داخلی (ساجدی، ۱۳۹۳: ۸).
- بالا بودن نرخ تورم و بیکاری (هوشمند، ۲۰۱۲: ۳).
- عدم وجود اقتصاد دانش‌بنیان (حجازی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۵).

ب- ناکارآمدی بازارها در اقتصاد خرد: دانشمندان علوم اقتصادی، بازارها و کارآمدی آن‌ها را از طریق سازوکارهای

قیمت بررسی می‌کنند و آن را بهترین روش برای تخصیص منابع می‌دانند. اگر بازارها متعادل باشند بحران‌ها و شوک‌های بیرونی را در خود جذب و حل می‌کنند و در اقتصادهایی که بازارها متعادل نیستند، در صورت رخداد بحران و تحریم به سادگی به هم می‌ریزند و تخصیص منبع و بودجه بدان‌ها مؤثر نخواهد بود و باز هم باعث ایجاد هزینه در بخش رفاهی می‌شود و خود را در برون‌ریزی و طغیان نقدینگی، وجود منابع بیکار و بلااستفاده و هدر رفت یا کمبود کالاها در بازارها نشان می‌دهد (امیری‌طهرانی، ۱۳۹۴: ۳۳). در کارآمدی بازارها در اقتصاد خرد دو جزء اصلی از میان چند جزء مطرح است که در اقتصاد مقاومتی بسیار مؤثرند که عبارتند از:

- گستردگی و چیرگی دولت (اردکانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۵).
- نبود تجارت آزاد (رهروانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۹).

ج- عدم نظارت و مدیریت مناسب: نظارت و مدیریت مناسب عاملی ضروری در یک سیستم اقتصادی است تا بتواند

به درستی عمل کند و در عین حال مقاوم باشد. در این بخش، بحث مدیریت قوانین و حقوق مالکیت فکری مطرح است. نبود مکانیسم‌های مناسب در موقع بروز بحران‌ها و شوک‌های اقتصادی منجر به هرج و مرج اجتماعی و اقتصادی می‌شود یا آن را آسیب‌پذیر می‌کند. در واقع وضع ساختارهای قانونی و ایجاد امنیت در قوانین مالکیت فکری از اجزای بسیار مهم نظارت و مدیریت مناسب محسوب می‌شود و در کنار آن استقلال قضایی، بی‌طرفی دادگاه‌ها، حمایت از حقوق مالکیت معنوی و یکپارچگی سیستم قانونی و سیاسی نیز باید وجود داشته باشد؛ اما وجود خلأ در موارد یاد شده در کشور ایران و همچنین بوروکراسی اداری طولانی و دست و پاگیر و عدم توانایی در کاهش فرآیندهای طولانی اداری باعث زمین‌گیر شدن اقتصاد مقاومتی شده است و در این بین باید فساد مالی و اداری که به صورت فراگیر در بیشتر بخش‌های سه قوه وجود دارد را اضافه کرد (پژوهنده، ۱۳۹۴: ۱۹۰). در این زمینه تحقیقات نشان می‌دهد که ایران پیشرفت و یا تغییر چشم‌گیری نداشته است و از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴، اقدامات کافی در این زمینه صورت نگرفته است (رنجبر اردکانی، ۱۳۹۶: ۱۵۲).

د- توسعه پایین اجتماعی: یکی از اجزای دیگر اقتصاد مقاومتی، توسعه اجتماعی است و تمرکز آن بر این است که روابط

اجتماعی به درستی بنا شده باشد و بتواند دستگاه اقتصادی را به درستی عمل کند. برای مشخص کردن توسعه اجتماعی شاخص‌های متعددی وجود دارد، مانند درآمد و پراکندگی آن، میزان جمعیت افراد فقیر، نرخ بلندمدت بیکاری که بیانگر این است بخشی از جمعیت یک کشور مهارت پایین یا شغل دائم ندارند و یا میزان و سطح آموزش آن‌ها پایین است (متقی، ۱۳۹۲: ۵). نکات اشتراک همه نظریه‌پردازان در خصوص اقتصاد مقاومتی، جایگاه و ارزش آن در رونق تولید داخلی و انعطاف‌پذیری آن در بحران‌ها و تحریم‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی است تا هر کشوری اقتصاد مقاومتی را در دستور کار خود قرار دهد.

۱۰- عوامل گسترش و شکل‌گیری معضل قاچاق کالا و ارز در ایران

قاچاق در کشور ایران به یک مسئله ملی تبدیل شده و با رشد فزاینده قاچاق، اقتدار دولت که همان سیاست ملی می‌باشد هم از طرف قاچاقچیان و هم از طرف مردم به زیر سؤال می‌رود. گروه اول یعنی قاچاقچیان از این جهت که دولت را یارای مقابله با خود نمی‌بینند و گروه دوم یعنی مردم که عجز دولت را در قلع و قمع قاچاق یا حتی کاهش میزان آن به وضوح مشاهده می‌کنند (شهدادی و خواجه عسگری، ۱۳۸۳: ۱۱۱). به طور کلی، قاچاق آثاری بر جامعه می‌گذارد که عبارتند از:

- مالیات‌ها و محدودیت‌های بیش از حد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲: ۳۲۵).
- عوامل اقتصادی: عوامل اقتصادی مانند افزایش بیکاری، پایین بودن میزان درآمد، نبود سرمایه‌گذاری اساسی در صنایع و افزایش بیکاری باعث رواج و گسترش قاچاق در سطح کشور شده است.
- عوامل قانونی: عوامل قانونی مانند بی‌ثباتی در قوانین و مقررات و شفاف نبودن آن‌ها و افزایش تعرفه‌های گمرکی، دخالت بیش از حد دولت و ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی نیز یکی دیگر از عوامل افزایش فعل منفی قاچاق است.
- عوامل جغرافیایی: عوامل جغرافیایی مانند مرزهای گسترده آبی و خاکی، موقعیت و فضای مناسب قاچاق در کشورهای همسایه از مؤلفه‌های دیگر رواج انواع قاچاق در مرزهای جمهوری اسلامی ایران است (نمک‌شناس، ۱۳۸۴: ۲۴).

- گسترش فقر در جامعه: با افزایش قاچاق کالا، فقر در جامعه گسترش پیدا می‌کند؛ زیرا قاچاق کالا موجب انحراف سرمایه‌گذاری برای اشتغال‌زایی می‌شود و کاهش تولیدات ملی، منجر به کاهش درآمد سالانه می‌گردد و بدین ترتیب با خروج منابع سرمایه‌گذاری از حیطه فعالیت‌های مولد و ورود آن به قاچاق کالا، فقر در جامعه بیش از پیش گسترش پیدا می‌کند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲: ۳۲۵).
- سودآوری بالای کالای قاچاق در مقابل ریسک پایین
- پرداخت یارانه به برخی از کالاها در داخل کشور
- بالا بودن تعرفه‌های گمرکی
- بوروکراسی و ساختار اداری ناکارآمد
- محرومیت ساکنان مناطق مرزی (عیسی‌آبادی و شاه‌قلعه، ۱۳۹۱: ۵۵).
- کاهش درآمدهای ارزی
- ضرر تولیدکنندگان داخلی
- ایجاد اختلال در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی
- تهاجم فرهنگی
- تغییر الگوی مصرف در جامعه (آقایی بجستانی و مرادی حقیقی، ۱۳۹۱: ۷۲).
- تحولات بازار ارز
- تورم
- بیکاری (تقی‌نژاد عمران و نیکپور، ۱۳۹۲: ۵۸).
- حجم دولت
- درآمد سرانه
- شاخص باز بودن اقتصاد (زرآءنژاد و ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۹).

۱۱- پیامدهای اقتصادی ناشی از قاچاق کالا و ارز

- شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی،
- کاهش درآمدهای دولت و افزایش کسری بودجه،
- کاهش سطح تولید ناخالص ملی،
- کاهش اشتغال،
- هدر رفتن منابع ارزی کشور،
- توزیع ناعادلانه درآمد و افزایش فاصله طبقاتی،
- کاهش رفاه مصرف‌کنندگان،
- عدم عضویت ایران در سازمان‌ها و مجامع تجاری بین‌المللی و منطقه‌ای به دلیل بالا بودن حقوق و عوارض ورودی بالا (نصیری، ۱۳۹۴: ۴۳).

۱۲- راهکارهای مقابله با پیامدهای قاچاق کالا و ارز بر اقتصاد ایران

آمار قاچاق کالا و ارز در کشور نشان می‌دهد که قاچاق تنها با کشف و مبارزه موردی قابل برطرف شدن نیست و ضروری است که برنامه‌های اصلاح ساختار، فرهنگ‌سازی، نظارت بر بازار مصرف، حمایت مردم در مبارزه با قاچاق و اصلاح نظام تعرفه‌ای و قوانین گمرکی و نظارت سازمان استاندارد و سایر سازمان‌های نظارتی و ... باید با سودجویی و بی‌تفاوتی و عملکرد ناشایست قاچاقچیان و سودجویان مرتبط با آن مقابله کنند. هم‌اکنون تولیدکنندگان داخلی در زمینه قیمت تمام شده کالا در مقایسه با نمونه‌های وارداتی توان رقابت ندارند. از سویی وقتی قیمت تمام شده کالا بالا باشد و قدرت رقابت هم مهیا نباشد، طبیعتاً تولیدکننده را به سمت کاهش کیفیت کالا برای پایین آوردن قیمت تمام شده آن سوق می‌دهد که این خود عاملی در جهت افزایش انگیزه و زمینه‌های لازم برای قاچاق کالا به کشور است. ادامه چنین روندی تولید را تضعیف کرده و بهترین زمینه برای رشد واسطه‌گری در کشور و قاچاق کالا را فراهم می‌کند؛ به طوری که متأسفانه امروز هر فردی با اندک سرمایه‌ای که با تعطیلی واحدهای تولیدی خود به دست می‌آورد، به واسطه‌گری می‌پردازد. موضوع اساسی دیگر و همان طور که بیان کردیم قاچاق کالا از مبادی ورودی قانونی و غیرقانونی است که در صورت کنترل و نظارت دقیق این ورودی‌ها هم از حجم و میزان قاچاق و هم از

آسانی قاچاق کالا به کشور کاسته خواهد شد. گام بعدی در مقابله با قاچاق کالا، شناسایی و پاسخ دادن به تقاضای جامعه و مصرف کننده است که در این زمینه نیز به چند موضوع از جمله قیمت و کیفیت مناسب، خدمات پس از فروش، تنوع و طراحی باید توجه داشت. (ماندگار، ۱۳۹۶: ۱۸۶).

۱۳- راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی

شناسایی نقاط ضعف کشور در اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به نقاط قوت، یکی دیگر از الزامات کشور در رسیدن به جایگاه واقعی اقتصاد در عرصه جهانی و تحقق آن می‌باشد. برای تحقق اقتصاد مقاومتی لازم است تعامل و همکاری سازنده‌ای بین مردم و دولت صورت گیرد. از مهم‌ترین وظایف دولت در تحقق اقتصاد مقاومتی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تثبیت شدت نوسانات نرخ ارز
- افزایش سطح اشتغال
- تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها
- ارتقای سهم بخش خصوصی در اقتصاد

و وظایف مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی:

- مدیریت مصرف
- فحاشی (ساده‌زیستی و دوری از تجملات)
- ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۷).

۱۴- سیاست‌های تقنینی پیشگیرانه حاکم بر نظام مبارزه با قاچاق کالا

مبارزه با قاچاق کالا و ارز و مصادیق دیگر آن، نیازمند تبیین یک استراتژی منسجم و اتخاذ سیاست کیفری مناسب است. پراکندگی قوانین و مقررات مربوط به این امر و توسعه شبکه‌های قاچاق بین‌المللی و تنوع مصادیق قاچاق، با توجه به روش‌ها و ابزار جدیدی که قاچاقچیان به کار می‌برند، ضرورت تدوین و تصویب یک قانون جامع و کارا که با همه اشکال قاچاق بتوان مبارزه کند را ایجاد کرد که قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ این ضرورت را برطرف نمود. در این خصوص توجه به موارد زیر ضروری است:

اتخاذ رویکرد پیشگیرانه مقدم بر رویکرد مقابله‌گرایانه (صفایی آتشگاه، ۱۳۹۳: ۱۵۶).

قضازدایی و اتخاذ ضمانت اجرای اداری همراه ضمانت اجرای کیفری:

الف- مجازات‌های مالی

ب- مجازات‌های تهریبی (آقازاده، ۱۳۸۱: ۵۷).

۱۵- سیاست‌های پیشگیرانه تقنینی هم‌گرایانه در نظام مبارزه با قاچاق ایران

تا پیش از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، قوانین متعددی در حوزه قاچاق در کشور وجود داشت که از مهم‌ترین عوامل واگرایی و تشتت رویه مبارزاتی و مقابله با قاچاق کالا به شمار می‌رفت، اما در عمل قانونی جامع که از انسجام کافی برخوردار باشد، در این حوزه وجود نداشت. به همین دلیل نیز از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بسیاری از قوانین از جمله قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب سال ۱۳۱۲، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ و قانون جلوگیری از عمل قاچاق توسط وسایط نقلیه موتوری دریایی مصوب ۱۳۳۶، به کلی منسوخ شدند و همچنین موادی از برخی قوانین مصوب دیگر همچون قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی مصوب ۱۳۷۰، قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲ و بسیاری قوانین دیگر نیز نسخ گردیدند.

به عقیده کارشناسان، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بسیاری از ضعف‌های موجود در حوزه مبارزه با قاچاق را پوشش داده و در عمل عمده خلأهای قانونی را مرتفع کرده است. اگرچه در این باره اختلاف‌نظرهایی میان صاحب‌نظران وجود دارد، اما در هر حال، قانون جدید درصدد برطرف کردن نقایص قوانین گذشته بوده و با توجه به این نقایص تدوین شده است. به هر صورت ذکر مزایای مطرح شده به معنای تأیید کامل قانون یا موارد ذکر شده نیست، بلکه در این مبحث نگاه ما به پیشرفت‌های نسبی کسب شده در زمینه‌های مطرح شده بوده است. لذا درباره مزایای قانون جدید موارد زیادی را می‌توان نام برد که در ادامه به ذکر اجمالی آن‌ها بسنده می‌شود:

۱۵-۱- سیاست استفاده از تجربه‌های جهانی

یکی از مواردی که می‌توان به آن در قانون جدید به عنوان نوآوری اشاره کرد، این است که با ترجمه هم‌زمان قانون بیش از شش کشور جهان که از ناحیه قاچاق در معرض آسیب بوده‌اند، نقاط قوت اقتباس و با یک مطالعه تطبیقی فشرده، از قوانین ضد قاچاق سایر کشورها استفاده مطلوب به عمل آمد.

۱۵-۲- سیاست توجه به مباحث پیشگیرانه و بازدارندگی مجازات‌ها

از ویژگی‌های بسیار مهم این قانون، پیشگیری از وقوع جرم با استفاده از فن‌آوری‌های نوین از جمله Rfid و الزام مراجعی که متولی واردات کالا هستند به نصب ایران کد جهت شناسایی کالاهایی که از مجاری قانونی و با نظارت دولت وارد می‌شوند، نسبت به کالاهای قاچاق و غیرقانونی و غیراستاندارد است (زارع‌مه‌دوی و سهرابی، ۱۳۹۶: ۸۴).

۱۵-۳- سیاست ارائه تعریف از قاچاق کالا

در راستای هم‌گرایی برداشت‌ها و تفاسیر حقوقی و قضایی، قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز با روش ترکیبی، فعل قاچاق را تعریف کرده و مصادیق را به طور کامل ذکر کرده است.

۱۵-۴- سیاست تناسب احکام با نیازهای اقتصادی روز کشور

برای هم‌گرایی نظام حقوقی و اقتصادی، قانون جدید با توجه به شرایط حال حاضر و با توجه به تحولات پیش آمده در اقتصاد و به طور کلی در قاچاق کالا و متناسب با نیازمندی‌های حال حاضر کشور تدوین شده است. سیاست طبقه‌بندی مجازات‌ها بر اساس نوع کالا (مجاز، مجاز مشروط، ممنوعه و یارانه‌ای).

۱۵-۵- سیاست تعیین مجازات‌های مناسب و متناسب با جرم

ماده ۱۸؛ هر شخص که مرتکب قاچاق کالا و ارز و حمل و نگهداری آن شود، علاوه بر ضبط کالا یا ارز، به جریمه‌های نقدی زیر محکوم می‌شود:

الف- کالای مجاز: جریمه نقدی یک تا دو برابر ارزش کالا،

ب- کالای مجاز مشروط: جریمه نقدی معادل یک تا سه برابر ارزش کالا،

ج- کالای یارانه‌ای: جریمه نقدی معادل دو تا چهار برابر ارزش کالا،

د- ارز: جریمه نقدی ارز ورودی، یک تا دو برابر بهای ریالی آن و جریمه نقدی ارز خروجی، دو تا چهار برابر بهای ریالی آن.

۱۵-۶- مشخص شدن صلاحیت‌های ذاتی مراجع رسیدگی‌کننده در راستای هم‌گرایی مراجع

قضایی و اداری

سیاست استفاده از ظرفیت دیپلماسی در راستای افزایش هم‌گرایی‌های منطقه‌ای و جهانی، فی‌الواقع استفاده از ظرفیت دستگاه دیپلماسی در فراسوی مرزها و برطرف شدن خلأ قاچاق کالاهای خاص مثل قاچاق میراث فرهنگی و خواباره، بخشی از ویژگی‌ها و مزیت‌های قانون جدید است.

۱۵-۷- برطرف کردن خلأهای قضایی

با توجه به جامعیت این قانون، محیط مانور قضایی گسترده شده و قضات می‌توانند با توجه به شواهد و قرائن پرونده، تصمیم مناسبی اتخاذ کنند. به عنوان مثال، سابقاً در تشدید مجازات، مرز معینی در قانون مشخص نشده بود. در قوانین سابق در رابطه با تشدید مجازات سخن به میان آمده بود، ولی در زمینه نحوه تشدید سکوت شده بود که قانون جدید از این ایرادات مبرا است و به قضای کمک بسیار خوبی در اتخاذ رأی مناسب خواهد کرد. همچنین قانون جدید در زمینه شناسایی و توقف اموال متهم مقررات خوبی را پیش‌بینی کرده است.

۱۵-۸- توجه به الکتریکی کردن رویه‌های تجاری و گمرکی

در راستای هم‌گرایی دستگاه‌های مسئول، به منظور پیشگیری از جرم در فصل دوم قانون جدید، وزارت صنعت و معدن و تجارت موظف به پیش‌بینی سامانه نرم‌افزاری جامع برای یکپارچه‌سازی و نظارت بر فرآیند تجارت شده است و همین طور کلیه

دستگاه‌های مرتبط با تجارت خارجی کشور موظف به همکاری در این زمینه شده‌اند؛ وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و راه و شهرسازی نیز موظف به تجهیز مبادی ورودی و خروجی و مسیرهای حمل‌ونقل به امکانات فنی مناسب و الکترونیکی کردن کلیه اسناد ورود، صدور، عبور و حمل‌ونقل و نظایر آن شده‌اند.

۹-۱۵- سیاست توجه به مناطق مرزی و معیشت مرزنشینان در جهت هم‌گرایی مردم و مسئولان
در ماده ۸ به تأمین نیازهای ناشی از انجام عملیات مأمورانی اشاره شده است که به موجب قانون، متکفل امر مبارزه با قاچاق کالا هستند که یقیناً در اقتدار مأمورین در انجام وظایف محوله مؤثر است.

۱۰-۱۵- سیاست توجه به آموزش مستمر نیروهای دست‌اندرکار در راستای هم‌گرایی عقبه فکری و بازوهای عملیاتی نظام مبارزه با قاچاق کالا
در ماده ۹ قانون، به آموزش مأمورین در حین خدمت و به‌کارگیری افراد با تجربه اشاره شده است. همچنین برگزاری آزمایش‌های سراسری و منطقه‌ای و کارگاه‌های آموزشی با محوریت دستگاه‌های کاشف مورد توجه بوده است.

۱۱-۱۵- تعیین مجازات ویژه برای قاچاق سازمان‌یافته و حرفه‌ای
از آنجا که همواره بیشترین ضربه‌ها را به اقتصاد و امنیت ملی یک کشور قاچاقچیان سازمان‌یافته و حرفه‌ای وارد می‌کنند، ضروری است ضمانت اجرایی شدید که متناسب با میزان جرم و ضرری که آن‌ها وارد می‌کنند، وجود داشته باشد. قانون جدید چنین نیازی را به خوبی برطرف کرده و مجازات‌های شدیدی را برای این دسته از قاچاقچیان در فصل پنجم (مواد ۲۸ تا ۳۳) در نظر گرفته است (خانی و شیرینی، ۱۳۹۲: ۶۴).

۱۵- عزم و اراده ملی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز
مبارزه با قاچاق جز با عزم و اراده ملی ممکن نیست. با توجه به وضعیت موجود در کشور و هدر رفتن سرمایه‌های ملی باید از دولت، مجلس و همه نهادهای زیربند در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز خواست که افق نگاهشان و چشم‌انداز کارشناسانه‌شان را بدون سلیقه و یا آزمایش، با هدف رسیدن به آسایش و آرامش و رفاه شهروندی جدی‌تر و مصمم‌تر دنبال کنند. فرهنگ‌سازی اقتصادی هدفمند و کارشناسانه را از عوامل مؤثر در مقوله پیشگیری از شیوع رجوع به معضل قاچاق در کشور می‌دانیم و از اصحاب رسانه درخواست می‌شود تا رونمایی اقتصاد و معیشت را آن‌گونه که شایسته نظام اسلامی است به سمت و سوی سلامت اقتصادی هدایت نمایند. بی‌شک اهمال و تصمیم‌گیری‌های متفرق و ناهماهنگ در مبارزه قاطع و همه‌جانبه با این معضل باعث هدر رفت ظرفیت و سرمایه فکری و اجرایی بخشی از نیروی انسانی جوان و اقتصاد کشور خواهد شد که قطعاً برای آینده کشور خسارت‌بار و ناگوار خواهد بود. در این راستا مسئولان باید وارد عمل شوند که ملت احساس کند، دستگاه‌های مختلف نظام کمر همت به جدیت بسته‌اند و دلسوزانه با هنجارشکنی‌ها و آلودگی‌ها و مظاهر مختلف مفاسد مقابله می‌کنند.

۱۶- نتیجه‌گیری

عمده‌ترین مشکلات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، ناشی از قاچاق کالا است. بیکاری، تعطیلی واحدهای تولیدی، از دست رفتن سرمایه‌های ملی، زمین خوردن بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های خرد و کلان و ...؛ همه نتیجه این معضل بزرگ اقتصادی یا بهتر بگوییم این انگل اقتصادی است. بسیاری از تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی بازار داخلی و حتی برخی از فروشندگان از نبود عزم جدی برای مبارزه با قاچاق کالا به شدت گلایه دارند. دولت هم در این میان معتقد است، جلوگیری از قاچاق به تنهایی پاسخگو نیست و باید با فرهنگ‌سازی مردم را به نخریدن کالاهای قاچاق ترغیب کرد؛ اما کارشناسان می‌گویند برخی از قوانین و عملکرد دستگاه‌های مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ایران باعث واگرایی در بخش‌های مختلف نظام مبارزه با قاچاق کالا و ارز شده است. سیاست اجازه فروش، آسیب‌شناسی سیاست‌های واکنشی نظام مبارزه با قاچاق کالای جمهوری اسلامی ایران در بخش کالاهای مکشوفه قاچاق و فروش آن‌ها در بازار داخل کشور شده است. علی‌رغم توصیه‌های مکرر مقام رهبری مبنی بر انهدام کالاهای قاچاق جزء آن دسته که امکان باز صادرات را دارند، عموماً رسیدگی به کالاهای مکشوفه قاچاق و سیاست‌گذاری در مورد آن‌ها یکی از مسائلی است که می‌تواند نقشی اساسی در زمینه مبارزه با قاچاق کالا داشته باشد. رویکرد و توجه ویژه مقام معظم رهبری در امر مبارزه با قاچاق کالا و تحقق اقتصاد مقاومتی، متأسفانه هنوز در بین مسئولین مربوطه با این سازوکار اقتصادی کشور جا باز نکرده و تعدد نهادهای مبارزه با قاچاق کلاً و ارز؛ عملاً خود مانعی در تحقق این امر شده است. انتظار می‌رود نهادهای دولتی

و بخش‌های خصوصی با رونق بنگاه‌های تولید داخلی و رفع موانع حضور و مشارکت مردمی در این خصوص، اقدامات سازنده‌تر و برنامه‌ریزی جهادگونه را در پیش بگیرند.

به طور کلی، دو تغییر عمده باید رخ دهد تا اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران تحقق یابد: نخست اینکه در منظومه هدف‌های نظام اقتصادی اسلام استقلال اقتصادی در اولویت اول قرار گیرد و به تبع آن اولویت‌بندی اصول راهبردی نظام تغییر کرده و سیاست‌های کلی متناسب با تغییرهای جدید تنظیم شود. دوم اینکه جهاد اقتصادی بر مردم و مسئولین واجب فرض شود.

در اصل ۴۴ قانون اساسی تأکید شده است که با اجرای سیاست‌های به هنگام در خصوص واگذاری‌های دولتی به مردم، عملکرد مدیریتی و بهره‌وری بهبود یابد و مسیر حرکت از اقتصاد دولتی به اقتصاد پویا فراهم شود. از طرف دیگر می‌دانیم که بخش خصوصی تحت تأثیر و فشار و محدودیت‌های کمتری نسبت به بخش دولتی می‌باشد. بر این اساس تقویت نقش و عملکرد این بخش‌ها می‌تواند تا حدودی از مشکلات ناشی از تحریم‌ها بکاهد و مقاومت اقتصاد را در مقابله با محدودیت‌های پیش رو بالا ببرد. با استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی؛ مردمی کردن اقتصاد؛ تحول در شرایط اقتصاد از طریق اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، توانمندسازی بخش خصوصی؛ کاهش وابستگی به نفت؛ جایگزینی درآمدهای نفتی با درآمدهای غیرنفتی؛ بنیان‌گذاری کارهای اقتصادی بر پایه دانش و تبدیل شدن اقتصاد دانش‌بنیان به وجه غالب اقتصاد کشور؛ حمایت از تولید ملی؛ فعال کردن واحدهای تولیدی کوچک و متوسط؛ تعادل در مصرف و مدیریت مصرف با جایگزینی و ترجیح تولیدات داخلی با کالاهای خارجی؛ مبارزه با مفاسد اقتصادی؛ مدیریت درست منابع ارزی؛ مدیریت مصرف و فرهنگ‌سازی برای جلوگیری از اسراف؛ استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات؛ حرکت بر اساس برنامه و پرهیز از تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات؛ صیانت از وحدت و همبستگی. نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاری برای اصلاح الگوی مصرف است. مصرف، تولید را جهت می‌دهد و این دو در کنار هم جهت سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کنند. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول و کم رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج، ارتقای تکنولوژی در سطح کلان‌تر شکل می‌گیرد البته باید به گونه‌ای عمل کرد که اقتصاد مقاومتی به معنای تحمیل فشار به مردم نباشد.

۱۶-۱- پیشنهاداتی برای تحقق اقتصاد مقاومتی

افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام شده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش واردات، حمایت از تولید ملی به ویژه تولیدات استراتژیک. کاهش آمار بیکاری و خشکاندن ریشه‌های فقر و آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری در جامعه. فعال‌سازی سیستم‌های حمایتی پولی و مالی و بیمه‌ای بخش تولید برای تحرک در اقتصاد داخلی و نیز حمایت از صادرات کالاهای غیرنفتی.

افزایش واردات دانش فنی، خطوط تولید و ماشین‌آلات در ازای کاهش واردات کالاهای مصرفی با توجه به اهمیت این نوع معاملات در عصر اطلاعات هم‌زمان با تولید علم و تولید دانش فنی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان. تداوم سیاست‌های مربوط به خودکفایی کالاهای اساسی مانند گندم، روغن، شکر یا حداقل ترتیباتی برای یک اقتصاد ترکیبی مقاومتی در این باره و با توجه به فقدان طبیعی استعداد کشور برای خودکفایی کامل، نوع همسازي با دیگر کشورها و کانون‌های اقتصادی دنیا باید در راستای اهداف استراتژیک کشور شکل گیرد. توجه به معضل تورم و برقراری یک نظام قابل پیش‌بینی و قابل مدیریت در قبال شاخص تورم و تطبیق آن با سطح حقوق و دستمزدها و نیز قیمت ارز در پیشگیری سیاست‌های بهینه در این فرآیند.

تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها در روند تأمین کالاهای به این معنا که به محض اعمال تحریم در برخی از کالاهای، شکل‌دهی به عزم ملی در حوزه فناوری و صنعت و تجارت برای ایجاد خودکفایی کامل یا حداقل خوداتکایی در تولید و تأمین این اقلام لازمه اقتصاد مقاومتی است. نباید اجازه داد در مورد فشارها و تهدیدهای اقتصادی، بزرگ‌نمایی شود. ضمن آن که تحریم کاغذ پاره نیست و نباید از آن استقبال کرد.

کاهش اتکا به نفت از طریق کاهش واردات و افزایش صادرات غیرنفتی یا کالاهای استراتژیک متکی بر نفت مانند پتروشیمی. برقراری ارتباطات خاص اقتصادی با برخی از کشورهای دوست، گسترش ارتباطات اقتصادی با کشورها و بلوک‌های منطقه‌ای و متکثر کردن شرکای تجاری از یک شریک عمده به چند شریک کوچک‌تر.

تلاش برای جلوگیری از اجماع در قبال نظام اسلامی در سطح بین‌الملل. باید این مهم با توجه به آسیب‌پذیری‌های اقتصاد جهانی و جاذبه‌های اقتصادی و تجاری ایران و توانایی‌های شکل گرفته در توسعه اقتصادی و فناوری کشور ساماندهی شود.

ایجاد شرکت‌های مشترک یا ایجاد ارتباطات مؤثر شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی با برخی از مؤسسات خارجی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای تعامل و تأمین در موارد ضروری در فناوری و تجهیزات فنی و کالا به نحوی که با وجود تلاش استکبار، امکان

مداخله و فشار خارجی در این خصوص فراهم نشود، ضمن اینکه ایجاد این‌گونه ارتباطات بین بخش خصوصی کشور با هم‌تایان خارجی آن‌ها مؤثرتر خواهد بود.

تلاش برای جلوگیری از ایجاد اجماع و تحریم بانکی و وجود تحرک برای ارتباطات مؤثر بانکی و بیمه و حمل‌ونقل با استفاده از امکانات خارج از سلطه قدرت‌های مخالف.

مراقبت از توانمندی حمل‌ونقل کشور و جلوگیری از ایجاد انسداد و محدودیت توسط استکبار در قبال حمل‌ونقل به ویژه حمل‌ونقل دریایی و واکنش مناسب در صورت نزدیک شدن دشمن به این عرصه.

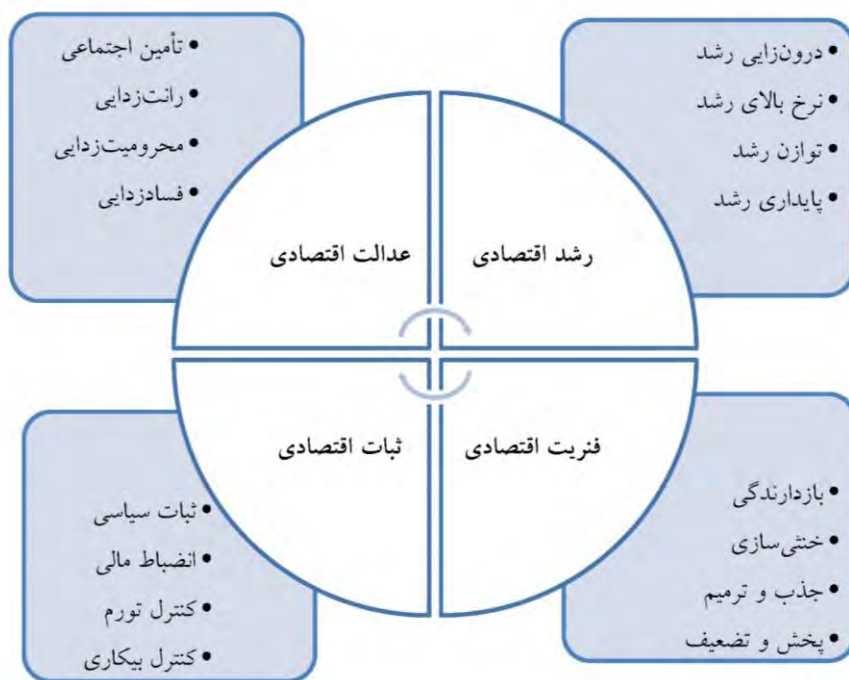
شکل‌گیری روحیه جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمیت ایرانی. ضمن آنکه برای تقویت اقتصادی ملی دیپلماسی اقتصاد مقاومتی نیز لازم است. هدف از این نوع دیپلماسی تبیین دستاوردهای اقتصاد مقاومتی در مقابل فشارهای وارده است. فشارها در مورد کالای مصرفی و شاخص‌های روزمره اقتصادی وارد می‌شود، اما دستاوردهای مقاومت کشور دستاوردهایی استراتژیک و بلندمدت هستند همچون خودکفایی در تکنولوژی‌ها و فناوری‌های برتر (هسته‌ای) استقلال در سیاست خارجی و ... خودداری از اسراف و ضایع کردن کالاها و ذخیره‌سازی کالاهای اساسی در ابعاد حجیم توسط دولت و انبارهای کوچک و هدایت شده و هوشمند توسط مردم (مانند کشور سوئیس) حتی در زمان صلح و آرامش جهت تأمین امنیت غذایی مردم.

برقراری ارتباطات فراوان متکثر بین اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی که برای نظام است که غیرقابل کنترل است و احتیاط در ارتباطات بزرگ که مورد تهدید واقع شود.

در مجموع حمایت از تولید ملی و توجه به پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های داخلی در زمینه‌های مختلف اعم از کشاورزی، صنعتی و ...، فاصله گرفتن از اقتصاد تک محصولی و رانتهی در راستای کاهش وابستگی اقتصادی به نفت و رفع تهدیدات احتمالی، توجه به نخبگان و استفاده از فناوری‌های نوین و حمایت از اقتصاد دانش‌بنیان، مهار سوداگری و فساد و عدم نگاه باندی و جناحی به منابع و مدیریت اقتصادی کشور و اجماع نظر بین مسئولین بر سر منافع ملی و حیاتی کشور، مردمی‌سازی اقتصاد و تلاش برای تقویت بخش خصوصی و ایجاد رقابت سالم و کارساز برای دست یافتن به توسعه اقتصادی، تعامل مثبت با اقتصاد جهانی و عدم روی رویی با آن و اخذ تجربه‌های موفق جهانی و بومی‌سازی آن‌ها برای تحقق اقتصاد مقاومتی لازم و حیاتی می‌باشند. در نمودارهای زیر مدل اقتصاد مقاومتی بر اساس قابلیت‌های آن برای اقتصاد ایران پیشنهاد شده است.



نمودار ۳- مدل پیشنهادی تحقیق (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)



نمودار ۴- مدل پیشنهادی تحقیق (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

منابع

- آقازاده، علیرضا (۱۳۸۱)، سیاست جنایی تقنینی ایران در قلمرو جرائم گمرکی، ارومیه: پیک سبحان.
- آقای بیجستانی، فاطمه و محمود مرادی حقیقی (۱۳۹۱)، حمایت از تولید ملی و پیشگیری از قاچاق کالا، فصلنامه دانش انتظامی سمنان، سال دوم، شماره ششم.
- اسدی، علی (۱۳۹۳)، نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره پنجم.
- امیری طهرانی، محمدرضا (۱۳۹۴)، مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی، مجله جستارهای اقتصادی، شماره ۲۳.
- اردکانی و همکاران، عباسعلی (۱۳۹۴)، اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران: چالش‌ها و راهبردها، فصلنامه پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، شماره ۱.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۹۵/۰۵/۰۲).
- تقی نژاد عمران، وحید و معصومه نیکپور (۱۳۹۲)، اقتصاد زیرزمینی و علت‌های آن؛ مطالعه موردی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال دوم، شماره ۸.
- جهانیان، منوچهر (۱۳۹۵)، نقش دولت در توسعه اقتصاد گردشگری ایران با محوریت اقتصاد مقاومتی، فصلنامه علمی - پژوهشی گردشگری و توسعه، شماره ۹.
- خلیلی، حسام‌الدین (۱۳۹۱)، مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی، کارگاه دوره دوم، سال پنجم.
- خانی، علی و عباس شیری (۱۳۹۲)، کاستی‌های جرم‌انگاری مفاسد اقتصادی در سیاست کیفری ایران، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، شماره ۶.
- حجازی‌نیا، رؤیا (۱۳۹۵)، شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر موفقیت دانش با رویکرد تحقق اقتصاد مقاومتی، مجله رشد فناوری، شماره ۴۷.
- غفور حمیدی و همکارانش در پژوهشی تحت عنوان «بررسی آثار و پیامدهای قاچاق کالا بر رونق اقتصادی» در سال ۱۳۹۵.
- درویش، امیرحسین و ایرج اسماعیلی (۱۳۸۴)، قاچاق کالا و ارز، نابسامانی اقتصادی و یا جرم، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری اسلامی.
- رنجبر اردکانی، صمد (۱۳۹۶)، موانع تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۹.

- رهروانی و همکاران، حسین (۱۳۹۵)، اقتصاد مقاومتی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران جهت مقابله با رویکردهای خصمانه آمریکا و عربستان سعودی در بازار نفت، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره ۱۵.
- زراءنژاد، منصور و صالح ابراهیمی (۱۳۹۱)، قاچاق کالا در ایران و رابطه آن با اقتصاد رسمی آزمون علیت گرنجر (۱۳۸۶-۱۳۵۳)، دو فصلنامه بررسی‌های حقوقی، سال دوم، شماره چهارم.
- زارع‌مهدوی، قادر و محمد سهرابی (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی سیاست‌های تقنینی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با قاچاق کالا، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دهم، شماره ۳۷.
- ساجدی، محمد (۱۳۹۳)، اندیشکده اقتصاد: راهکار تحقق اقتصاد مقاومتی، کنگره پیشگامان پیشرفت، مرکز الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت.
- شهدادی، علی و خواجه عسگری، (۱۳۸۳). طرح جامع مبارزه با قاچاق کالا و ارز در استان هرمزگان بندرعباس، معاونت سیاسی و امنیتی استانداری، هرمزگان.
- صفایی آتشگاه، حامد (۱۳۹۳)، بررسی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بر پایه یافته‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان.
- عیسی‌آبادی، ابوالفضل و صفی‌اله شاه‌قلعه (۱۳۹۱)، ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر قاچاق کالا، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره دوم.
- عربیون، ابوالقاسم و محمود منوچهری آملی (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی و کشاورزی راهکارهایی برای ارتقای بخش کشاورزی در دوران گذران اقتصاد مقاومتی، مجله آینده‌نگر، شماره چهاردهم.
- فشاری، مجید و جواد پورغفار (۱۳۹۳)، بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی، شماره ۵ و ۶.
- گزارش کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ (۱۳۹۳)، معاونت قوانین؛ اداره کل تدوین قوانین، دوره نهم، سال سوم.
- ماندگار، سهراب (۱۳۹۰)، عزم ملی برای مبارزه با قاچاق، بوشهر: نشریه داخلی دبیرخانه کمیسیون مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
- ماندگار، سهراب (۱۳۹۶)، عوامل قاچاق و آثار آن؛ راه‌های پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با قاچاق، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۳، شماره ۴.
- متقی، افشین و سمیرا متقی (۱۳۹۲)، سبک‌ها و الگوهای مصرف و اقتصاد مقاومتی، همایش ملی نقش سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی، جهاد دانشگاهی.
- نصیری، شهرزاد (۱۳۹۴)، بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا و ارز و تأثیر آن بر اقتصاد ملی، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲)، بزهکاری و شرایط اقتصادی، تهران: انتشارات قوه قضائیه.
- نمک‌شناس، رضا (۱۳۸۴)، بررسی پدیده قاچاق سوخت در استان سیستان و بلوچستان، مجله اقتصادی، شماره ۴۳ و ۴۴.
- هوشمند، محمود (۲۰۱۲)، اعتبارات خرد مالی با هدف کاهش فقر و ایجاد فرصت‌های شغلی: زمینه‌ساز تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، همایش اقتصاد مقاومتی؛ ابعاد و راهکارها.

